

مولود با برکت

<?xml encoding="UTF-8">

تو گل گلوژه‌های شعر صدها چون کمیتی *** من گدای خانه‌زادم، تو جواد اهل بی‌تی

تو ولیعهد عزیز پادشاه ارض طوسی *** تو یکی یکدانه ماهِ خانه شمس الشموسی

امام جواد علیه‌السلام در یک نگاه (1) گشود، و شهر مدینه و عالم را با نور خویش روشن نمود.

پدر بزرگوارش حضرت رضا علیه‌السلام و مادر ارجمندش بانوی مصری تباری به نام "سبیکه" است که از خاندان "ماریه قبطیه"، همسر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، به شمار می‌رود؛ بانویی که از نظر فضائل اخلاقی، در درجه والایی از انسانیت قرار داشت و برترین زنان زمان خود بود؛ به طوری که امام رضا علیه‌السلام از او به عنوان بانویی منزّه و پاکدامن و با فضیلت یاد می‌کرد. "ریحانه" و "خیزران" از دیگر نام‌های مادر امام جواد علیه‌السلام است. حضرت در مجموع دوران امامت خود با دو خلیفه عباسی، یعنی مأمون (193 - 218) و معتصم (218 - 227) معاصر بوده است. (2)

مراسم ولادت حضرت رضا علیه‌السلام پیشاپیش خبر ولادت فرزندش امام جواد علیه‌السلام را به اطرافیان داده بود، از جمله: شبی خواهرش حکیمه خاتون را احضار نمود و فرمود: "ای حکیمه! امشب فرزند با برکت خیزران متولد می‌شود که تو باید در نزد او حاضر باشی." آن‌گاه فرمود: "فَإِذَا هِيَ وَلَدَتْ فَأَلْزَمِيهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ؛ (3) هرگاه او (خیزران) زایمان نمود، هفت روز همراه او باش."

حکیمه خاتون می‌گوید: پاسی از شب گذشت تا اینکه نوزاد رضا علیه‌السلام در حالی که پرده نازک نورانی بر او پوشیده بود، به دنیا آمد و نوری از او ساطع بود که تمام حجره را روشن نمود؛ به گونه‌ای که از نور چراغ بی‌نیاز شدیم. آن نوزاد نورانی را در دامن خود گذاشتم و پرده را از خورشید جمالش کنار زدم. (4) حکیمه اضافه می‌کند: در لحظه‌ای که امام جواد به دنیا آمد، فرمود: "أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (5)؛ گواهی می‌دهم که خدایی غیر از خدای یگانه نیست، و به راستی محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله رسول خدا است." و در روز سوم ولادتش وقتی عطسه کرد، فرمود: "الْحَمْدُ لِلَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ (6)؛ ستایش مخصوص خداست و درود خدا بر محمد و امامان هدایتگر باد."

حکیمه وقتی این جملات را از امام جواد علیه‌السلام شنید با شتاب نزد امام رضا علیه‌السلام رفت و عرض کرد از این طفل عجایی دیدم. حضرت فرمود: آن عجایب چیست؟ حکیمه جملات لحظه ولادت و هنگام عطسه حضرت را بیان نمود. حضرت رضا فرمود: "يَا حَكِيمَةُ، مَا تَرَوْنَ مِنْ عَجَائِبِهِ أَكْثَرُ (7)؛ ای حکیمه! [در آینده] عجایب بیشتری از او خواهید دید."

امام جواد علیه‌السلام از دیدگاه دیگران 1. محمد بن طلحه شافعی (م - 652 هـ) می‌گوید: "وَإِنْ كَانَ صَغِيرَ السِّنِّ فَهُوَ كَبِيرُ الْقَدْرِ رَفِيعُ الذِّكْرِ (8)؛ هرچند او (امام جواد) سن کمی داشت، ولی بزرگ‌مقدار و بلند آوازه بود."

2. ابن حجر میثمی می‌گوید: "مأمون او را به دامادی انتخاب کرد، زیرا با وجود کمی سن از نظر علم و آگاهی و حلم بر همه دانشمندان برتری داشت." (9)

است. (10)

داریم.

مولود با برکت در خانواده امام هشتم، و محافل شیعیان، از حضرت جواد علیه‌السلام به عنوان مولودی با برکت

یاد می‌شد و این شهرت نیز ریشه در کلام خود امام هشتم علیه‌السلام دارد که بارها این مسئله را یادآوری نموده‌اند که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

1. "ابویحیای صنعانی" می‌گوید: روزی در محضر امام رضا علیه‌السلام بودم، فرزندش ابوجعفر را که خردسال بود آوردند: حضرت فرمود: "هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ مُوْلُودٌ اَعْظَمَ بَرَكَهً عَلَي شِيعَتِنَا مِنْهُ (11)؛ این مولودی است که با برکت‌تر از او برای شیعیان ما زاده نشده است."

2. "ابن اسباط" و "عباد بن اسماعیل" می‌گویند: خدمت امام رضا علیه‌السلام بودیم که ابوجعفر امام جواد علیه‌السلام را آوردند، عرض کردیم: این همان مولود پر خیر و برکت است؟ حضرت فرمود: "بله! این همان مولودی است که در اسلام با برکت‌تر از او زاده نشده است." (12)

نشده است. (13)

(14)

انکار می‌کردند.

گواه و شاهد این تحلیل، اعتراض "حسین بن قیاما واسطی" به امام در این مورد و پاسخ آن حضرت است. "ابن قیاما" که از سران واقفیه بوده است، طی نامه‌ای امام رضا علیه‌السلام را متهم به عقیمی کرد و نوشت: چگونه ممکن است امام باشی، در صورتی که فرزند نداری! حضرت در پاسخ نوشت: "از کجا می‌دانی که من دارای فرزندی نخواهم بود؟" در ادامه فرمود: "وَاللَّهِ لَا تَمْضِي الْاَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَرْزُقَنِي اللَّهُ وَلَدًا ذَكَرًا يَفْرُقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ (15)؛ به خدا سوگند! بیش از چند روز و شب نمی‌گذرد که خداوند فرزند پسری روزی من می‌گرداند که به وسیله او بین حق و باطل جدایی می‌افتد."

این سم‌پاشی تبلیغی از طرف واقفیه، منحصر به یک مورد نبوده است، بلکه به مناسبت‌های مختلف و موارد متعدد و گوناگون تکرار می‌شده است و امام هشتم علیه‌السلام نیز به آنان جواب می‌داده، از جمله فرموده است: "وَاللَّهِ لَا تَمْضِي الْاَيَّامُ وَاللَّيَالِي، حَتَّى يُولَدْ ذَكَرٌ مِنْ صُلْبِي يَقُومُ مِثْلَ مَقَامِي يُحْيِي الْحَقَّ وَيُمَحِّي الْبَاطِلَ (16)؛ به خدا سوگند! شب و روزهایی نخواهند گذشت مگر آنکه فرزندی از نسل من به دنیا می‌آید و جای من قرار گرفته، حق را زنده و باطل را نابود می‌کند."

به این جهت، امام هشتم علیه‌السلام و شیعیان سخت در فشار دشمنان قرار داشتند تا آن روزی که حضرت جواد علیه‌السلام پا به دنیا گذاشت و با نور وجودش به تمام سم‌پاشیها و تبلیغها خاتمه داد، و پیش‌بینیهای پدر بزرگوارش نیز به وقوع پیوست، و موضع امام هشتم علیه‌السلام و شیعیان که از این نظر در تنگنا بودند، تقویت گردید و وجهه تشیع بالا رفت. (17)

(18)

و جانشین خود قرار دادم."

سم‌پاشیها و سوسه‌ها و سم‌پاشیهای مخالفان خاندان امامت و واقفیه درباره حضرت رضا علیه‌السلام و امام جواد علیه‌السلام به حدی بود که حتی پس از ولادت حضرت جواد علیه‌السلام که همه مخصوصا واقفیه خلع سلاح شده بودند گروهی از خویشان آن حضرت را وادار نمودند که ادعا کنند حضرت جواد علیه‌السلام فرزند علی بن موسی علیهماالسلام نیست!

آنان در این تهمت ناجوانمردانه و دور از اسلام، شبهه عوام فریبانه عدم شباهت میان پدر و فرزند را از نظر رنگ مطرح نمودند، و گندمگونی صورت حضرت جواد علیه‌السلام را بهانه قرار داده، گفتند: در میان ما، امام گندمگون

وجود نداشته است. حضرت رضا علیه السلام فرمود: "هُوَ ابْنِي؛ او فرزند من است." آنان [بر خلاف واقع] گفتند: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با قیافه شناسی داوری کرده است، باید بین ما و تو قیافه شناسان داوری کنند! حضرت (ناگزیر) فرمود: شما در پی آنان بفرستید، ولی من این کار را نمی‌کنم، اما به آنان نگویند برای چه دعوتشان کرده‌اید.

یک روز بر اساس قرار قبلی، عموها، برادران و خواهران حضرت رضا علیه السلام در باغی نشسته و آن حضرت در حالی که جامه‌ای گشاده و پشمین بر تن و کلاهی بر سر و بیلی بر دوش داشت، در میان باغ به بیل زدن مشغول شد؛ گویی که باغبان است و ارتباطی با حاضران ندارد.

آن‌گاه حضرت جواد علیه السلام را حاضر کردند و از قیافه شناسان درخواست نمودند که پدر وی را از میان آن جمع شناسایی کنند، آنان به اتفاق گفتند: پدر این کودک در این جمع حضور ندارد؛ اما این شخص، عموی پدرش و این عموی خود او و این هم عمه اوست. اگر پدرش نیز در اینجا باشد، باید آن شخصی که در میان باغ بیل بر دوش گذاشته است، باشد؛ زیر ساق پاهای این دو به یک گونه است!

در این وقت امام رضا علیه السلام به جمع آنان پیوست، قیافه شناسان به اتفاق گفتند: پدر او، این است. در این هنگام، علی بن جعفر از جا برخاست و بر لبهای حضرت جواد علیه السلام بوسه زد و آب دهان حضرت را مکید و عرض کرد: "أَشْهَدُ أَنَّكَ إِمَامِي (19)؛ گواهی می‌دهم که تو امام من [بعد از پدرت] هستی."

بدین ترتیب، با وجود با برکت حضرت جواد علیه السلام این توطئه مخالفان امامت نیز منجر به شکست شد.

مناظرات با برکت از آنجا که امام جواد علیه السلام نخستین امامی بود که در خردسالی به منصب امامت رسید (20)، حضرت مناظرات و گفتگوهای داشته است که برخی از آنها بسیار مهم و مفید بوده است. راز وجودی این مناظرات این بود که از یک طرف امامت او به خاطر کمی سن برای بسیاری از شیعیان کاملاً ثابت نشده بود (هرچند بزرگان و آگاهان شیعه در امامت او هیچ تردیدی نداشتند)؛ از اینرو، برای اطمینان خاطر و به عنوان آزمایش سؤالات فراوانی از آن حضرت می‌کردند.

و از طرف دیگر، در آن دوران، قدرت "معتزله" افزایش یافت و مکتب اعتزال (افراطی‌گری در بهره‌وری از عقل) رونق یافته بود و حکومت وقت نیز از آنان پشتیبانی می‌کرد. از طرف این گروه سؤالات عقلی دشواری مطرح می‌شد تا به پندار خامشان، حضرت را در میدان رقابت علمی شکست دهند (21).

شده بود که خردسالی مانع منصب امامت نمی‌شود.

مناظره او با یحیی بن اکثم و اثبات حقانیت حضرت، و ناتوانی یحیی، و مناظره او با ابن ابی داود، و قاضی القضاة و غلبه حضرت بر آنها از این نمونه مناظرات است. (22) می‌گردد.

در این زمان نیز یکی از حربه‌های دشمن همین است. ما باید با پای فشردن بر حق، از این دسیسه نترسیم و معتقد باشیم که با ماندن ما بر صراط حق، افتراهای دشمن نیز رنگ خود را خواهد باخت.

سخنان با برکت حسن ختام مقال را با برخی سخنان زیبا و با برکت آن حضرت زینت می‌دهیم.

1. سه عمل نیک: حضرت فرمود: "ثَلَاثٌ مِنْ عَمَلِ الْأَبْرَارِ: إِقَامَةُ الْفَرَائِضِ وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَاخْتِرَاسُ مِنَ الْعُغْلَةِ فِي الدِّينِ (23)؛ سه [چیز] از اعمال نیک انسان شمرده می‌شود: برپایی (انجام) واجبات، دوری از محرمات، دوری و پرهیز از غفلت در دین."

2. سه نیازمندی مؤمن: امام جواد علیه السلام فرمود: "الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثٍ خِصَالٍ تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ وَوَاعِظٍ مِنْ

نَفْسِهِ وَقَبُولِ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ(24)؛ مؤمن به سه چیز نیازمند است: توفیقی از خداوند، واعظی از درون، و پذیرش نصیحت از دیگران.

3. سه راه جذب دیگران: حضرت جواد علیه السلام فرمود: "ثَلَاثُ خِصَالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةُ: الْإِنْصَافُ فِي الْمُعَاشِرَةِ وَالْمُوَاسَاةُ فِي الشَّدَّةِ وَالْإِنْطَوَاعِ وَالرُّجُوعُ عَلَي قَلْبٍ سَلِيمٍ(25)؛ با سه چیز می‌توانی جلب محبت دیگران کنی: انصاف داشتن در برخوردها، همدردی با دیگران در سختیها و راحتیها، و داشتن قلب سلیم."

4. نشانه کمال ایمان: حضرت فرمود: "أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ؛ مَنْ أَعْطِيَ لِلَّهِ وَمَنَعَ فِي اللَّهِ وَأَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ فِيهِ(26)؛ چهار چیز در هر کس باشد، ایمانش کامل شده است: کسی که برای خدا عطا (و انفاق) کند و در راه خدا منع کند، و برای خدا دوست بدارد و در راه خدا بغض بورزد."

پاورقی ها 1. تاکنون درباره امام جواد علیه السلام در مجله مبلغان، مقالات ذیل به چاپ رسیده است: نگاهی به سیره تبلیغی امام جواد علیه السلام ، محمد حاج اسماعیلی، شماره 2، ذی‌قعدة 1420 ه.ق. مناظره‌ای از امام جواد علیه السلام ، سید جواد حسینی، شماره 33، رجب 1423، ه.ق. امام جواد علیه السلام غریب بغداد، محمد عابدی، شماره 49، ذی‌قعدة 1424، ه.ق. ماجرای شهادت امام محمدتقی علیه السلام ، سیدمجتبی اهری، شماره 37، ذی‌قعدة 1423، ه.ق. امام جواد علیه السلام ، پاسدار حریم وحی، عبدالکریم پاک‌نیا، شماره 45، رجب 1424، ه.ق.

2. ر.ک: اعلام الوری، طبرسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ص344؛ منتهی الامال، شیخ عباس قمی، کتابفروشی اسلامیة، ج1، ص217؛ الارشاد، شیخ مفید، قم، مکتبه بصیرتی، ص316

3. منتهی الامال، ج1، ص218؛ و نیز ر.ک: اعلام الهدایه، المجمع الهاشمی لاهل البيت، چاپ اول، ج11، ص28.

4. منتهی الامال، ص218.

5. اعلام الهدایه، ص28.

6. همان.

7. همان، ج11، ص28 و ر.ک: مستدرک العوالم، ج23، ص151 - 152.

8. مطالب السؤل، ص239؛ فصول المهمه، ص252.

9. الصواعق المحرقة، ص205.

10. تذکره الخواص، ص358 - 359.

11. اصول کافی، ج1، ص321؛ الارشاد، شیخ مفید، ص319؛ اعلام الوری، طبرسی، ص347؛ کشف الغمه، اربلی، ج3، ص143.

12. بحارالانوار، ج50، ص20.

13. فروع کافی، دارالکتب الاسلامیه، ج6، ص361؛ الامام الجواد من المهد الي اللحد، سیدکاظم قزوینی، مؤسسه البلاغ، ص337.

14. ر.ک: صحیح مسلم، ج6، ص3؛ ینابیع الموده، سلیمان بلخی، ص446 و ر.ک: الملل و النحل، جعفر سبحانی، ج6، ص58 - 61.

15. اصول کافی، مکتبه الصدوق، ج1، ص320؛ الارشاد، ج2، ص277؛ کشف الغمه، ص142.

16. رجال کشی، ص463؛ کشف الغمه، ص142 و ر.ک: سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص531 - 532.

17. ر.ک: الامام الجواد من المهد الي اللحد، سیدکاظم قزوینی، چاپ اول، ص337؛ سیره پیشوایان، ص532.

18. اصول کافی، ج 1، ص 321؛ اعلام الهدایه، ج 11، ص 20.
19. اصول کافی، کلینی، مکتبه الصدوق، ج 1، ص 322؛ سیره پیشوایان، ص 533 - 534.
20. بعد از امام جواد علیه السلام فرزندش امام هادی علیه السلام و بعد از او امام زمان علیه السلام نیز در کودکی به این منصب نائل شده‌اند.
21. ر.ک: سیره پیشوایان، ص 534 - 535.
22. ر.ک: الاحتجاج، طبرسی، مطبعه المرتضویه، ص 135 - 245.
23. بحارالانوار، ج 75، ص 81.
24. همان، ج 75، ص 358.
25. همان، ج 75، ص 82؛ کشف الغمه، ج 2، ص 349.
26. همان، ج 75، ص 81.